

دربارهٔ آقازادهٔ نمایندهٔ لردگان و علل تلقی منفی جامعه از آقازادگی

روى دیگری از آقازادگی



زهرا طبعی خبرنگار گروه سیاست

دهه ۶۰ طلایى ترین دوره از اعتماد میان مردم و سیاستمداران به شمار می‌رود؛ دلیل آن روشنسن است، هم مردم به این باور رسیده بودند که سبک زندگی افراد در قدرت با آن‌ها تفاوت ندارد و هم سیاستمداران در جزئی‌ترین رفتارها این دقت نظر را داشتند این تلقی در جامعه شکل نگیرد که از امکاناتی که در اختیار دارند، به نفع خود سوءاستفاده می‌کنند. شاید در نگاه به جامعه امروز ایران، این تصویر و اعتماد تبدیل به رؤیایی دست‌نیافتنی شده است. تا آنجا که حتی اگر مسئولی از زیست ساده‌اش بگوید برای مردم باورپذیر نیست.

بخشی از این انگاره، ریشه در خطاهای برخی مسئولان دارد؛ اما واقعیت آن است که درسیستم مدیریتی و سیاسی کشور، می‌توان مواردی‌شماری از مسئولان را ذکر کرد که برخلاف تلقی عموم هنوز با سبک و سیاق مدیریتی شهیدرجایی‌ها زندگی می‌کنند؛ اما با منافع برخی درندیدن آن است با آنان که این‌گونه زندگی می‌کنند، این سبک زندگی را در بوق و کرنا نمی‌کنند تا دیگران بدانند. انتشار خبر فوت یک پیک موتوری جوان که از قضا پدرش نماینده لردگان در مجلس شورای اسلامی بوده، تلنگری به جامعه و فضای رسانه‌ای زد. آن هم در میانه برجسته‌سازی آقازاده‌هایی که از رانت‌ت پدریه جایی رسیده‌اند، از امتیازات مالی استفاده کرده‌اند و پیش از آنکه به سن قانونی برسند کنار دست پدر مشغول کار شده‌اند تا ب سازوکار آقازادگی و رشد رانتی آشنا شوند. خبرفوت پسر جوان نماینده لردگان نشان داد هنوز مسئولانی وجود دارند که با اینکه از مناطق محروم کشور به عنوان نماینده وارد بهارستان شده‌اند و چون با درخواست‌های متعدد کار ازسوی مردم روبه‌رو بوده‌اند و نمی‌توانستند پاسخگوی جوانان یکپار شهر باشند برای آنکه مردم احساس تبعیض نکنند،برای فرزندان‌هم کاری پیدا نکرده‌اند. امثال روح‌الله موسوی در عرصه‌های مدیریتی و اجرایی کم نیستند؛ اما از آنجا که عموماً نقصان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان



علی مزوعی خبرنگار گروه سیاست

«توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم در ایرسان، قطع کامل حمایت از جریان‌های مقاومت در منطقه و کاهش برد موشک‌ها.» این سه شرطی است که ذوالالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا از طریق محمد بن‌سلمان، ولیعهد عربستان سعودی به عنوان «پیش‌نیاز» هرگونه توافق با ایران مطرح کرده است. این اطلاعات را روز گذشته مجتبی ذوالنور، عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگویی رسانه‌ای کرد. پیش از این در گزارش‌شی که با عنوان «آمریکا شروط عجیبش را از زبان عمان گفت» در فرهیختگان منتشر شد به شروط غیر قابل قبول ترامپ پرداخته شده است.

البته این اطلاعات چندان پنهان نبود و پیش از این در اول مهرماه علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی در واکنش به سخنرانی ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل بدون اینکه اشاره‌ای به پیش‌شرط‌های طرف آمریکایی بکند، شرط محدود کردن «برد موشک به زیر ۵۰۰ کیلومتر» را «چشم‌پوشی از توان دفاعی در برابر اسرائیل» خوانده و با تأکید بر اینکه «امنیت ملی» جای «معامله» نیست، این پرسش را مطرح کرده بود که «کدام ایرانی با غیرتی چنین محدودیتی را می‌پذیرد؟» یک ماه بعد، لاریجانی در مراسم بزرگداشت شهید همدانی صریح‌تر به این موضوع اشاره کرد و گفت غربی‌ها می‌خواستند «برد موشک‌های ایران را به زیر ۵۰۰ کیلومتر کاهش دهند و این یعنی تسلیم شدن.» البته این شرط و شرط گذاشتن‌ها چیز جدیدی نیست. سال ۹۷ و پس از خروج از برجام، ترامپ و حلقه سیاست‌ خارجی او فهرست بلندبالایی از آرزوهای خود را در قالب پیش‌شرط هرگونه توافق پیش پای ایران گذاشته بودند؛ اما ایران حاضر به پذیرش این شروط نشد و تا سال بعد از آن، آمریکا بدون این پیش‌شرط‌ها پای میز مذاکره بنشیند؛ مذاکره‌ای که در دل آن، تقریباً همین مطالبات دنبال می‌شد. با این حال ایران برای اینکه نشان دهد طرف مقابل بیشتر از آنکه به دنبال شکل‌گیری میز مذاکره باشد، به دنبال توافق نشدن و تداوم مسیر تقابل است، به طور غیرمستقیم چند دور با طرف آمریکایی مذاکره کرد؛ مذاکراتی که درنهایت بـا مدیریت آمریکا و با اقدام رژیم‌صهیونیستی، هدف حمله قرار گرفت.

به بهانه تشریح کامل شروط آمریکا از زبان عضو کمیسیون حقوقی مجلس بد نیست مهم‌ترین اهداف آمریکا از طرح این مطالبات که ایران به طور منطقی با آن مخالف است، بررسی شود.

غنی‌سازی صفر در خاک ایران

اولین بشرط طرح شده توسط ترامپ ممنوعیت غنی‌سازی اورانیوم در داخل خاک ایران است. ذوالنور در این‌باره اعلام کرده که ترامپ خواهان این است که «مطلقاً غنی‌سازی در داخل خاک ایران نباشد.» این مطالبه در حالی مطرح می‌شود که ایران عضو معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) است و طبق ماده چهارم این معاهده، همه اعضا حق دارند برای مقاصد صلح‌آمیز به چرخه کامل سوخت هسته‌ای از جمله غنی‌سازی دسترسی داشته باشند. بنابراین هیچ استدلال حقوقی برای این ممنوعیت وجود ندارد. آمریکا و متحدهاش که خود مجهز به سلاح هسته‌ای هستند و حتی اخیراً نیز اقدام به تست سلاح‌های هسته‌ای کرده‌اند، می‌خواهند حتی مانع از استفاده صلح‌آمیز ایران از فعالیت‌های هسته‌ای بشوند. این درحالی است که پیش از آغاز جنگ ۱۲ روزه یعنی زمانی‌که دور اول مذاکرات به پایان رسیده بود آمریکا تلو پلحاً اعتراف کرده بود که حق غنی‌سازی ایران را به رسمیت می‌شناسد. استیو وینکاف،

و تخلف‌ها پیش‌تر به چشم می‌آیند، مواردی از این رفتارها و زیست‌ها هم که دیده می‌شوند، به حاشیه می‌روند.

تبعیض موردی نه ساختاری

در روزهایی که جامعه نسبت به برخی تبعیض‌ها واکنش‌های منفی نشان می‌داد و دشمنان هم تا جایی که توانستند روی این موضوعات موج‌سواری کردند، خبری منتشر شد که روح‌الله موسوی، نماینده لردگان، عزادار فرزندش شده است. گفته می‌شود فرزند او حین کار دچار سانحه آتش سوزی شده و به خاطر آسیب ناشی از سوختگی جانش را از دست داده است. علی‌اکبر موسوی فرزند جوان او، پیک موتوری یک رستوران بوده است. تا پیش از فوت، کسی نمی‌دانست پدرش نماینده مجلس بوده است. در موقعیتی که در فضای رسانه‌ای اینطور بازتولید می‌شد که در ساختارهای حکمرانی، گرفتار فضایی رانت‌زده‌ایم که آقازادگی عامل اصلی بهره‌مندی از آن است، روایت بیرون آمده از فرزند این نماینده، به مثابه تلنگری به جامعه و فضای رسانه‌ای عمل کرد. واقعیت آن است که به واسطه برخی خطاها و رفتارهای اشتباه این نگاه در میان مردم جدا افتاده که آقازادگی مساوی است با برخورداری از امتیازها و امکانات ویژه، تا آنجا که اگر موردی از زندگی ساده برخی مدیران ذکر شود، مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. در موارد متعددی شاهد این موضوع بوده‌ایم زمانی که خبری از فساد یا رانت‌خواری یک مقام مسئول یا فرزندان وی منتشر می‌شد عموم واکنش‌ها بیش از آنکه متمرکز بر پاسخ به جامعه و دادن اطمینان به آنان برای رسیدگی باشد یا بر مدار توجیه پیش می‌رفت یا به طور کامل رها می‌شد. تعدد این اتفاقات منجر به ایجاد احساس نارضایتی و تبعیض در مردم می‌شود که ترمیم آن، به راحتی ممکن نخواهد بود. اتفاقاتی مثل اجباری فرزند نماینده لردگان از جمله مواردی برای اثبات آن است که برخلاف برداشت‌های عمومی، خبری از تبعیض ساختاری نیست و تنها برخی بی‌عدالتی‌هاست که بیشتر به چشم آمده و در عین برخورد با تخلفات باید در مقابل رفتارهای عادلانه از جانب مسئولان را هم مورد توجه قرار داد.

نماینده مجلس خبر «فرهیختگان» را تایید کرد

داستان سه شرط عجیب ترامپ

نماینده ویژه آمریکا در مذاکرات غیرمستقیم با ایران در ۲۵ فروردین در مصاحبه با فاکس‌نیوز گفته بود: «ایران به غنی‌سازی بیش از ۳٫۶۷ درصدی نیاز ندارد.» این جمله هرچند با نیت اتهام‌زنی به ایران بیان شد؛ اما در دل خود پذیرش ضمنی حق غنی‌سازی تا سطح ۳٫۶۷ درصد، یعنی سطح مورد نیاز برای سوخت رآکتورهای تحقیقاتی را داشت. ایران نیز با همین پیش‌فرض وارد مذاکرات شد؛ اما آمریکا یک‌شبه موضع خود را به غنی‌سازی صفر تغییر داد. با اظهارنظر وینکاف در سطح رسانه‌ای، آمریکا ناچار شد موضع واقعی خود یعنی مطالبه غنی‌سازی صفر را خیلی زود آشکار کند تا در ادامه متهم به خراب کردن میز مذاکره نشود. به همین دلیل وینکاف یک روز بعد از مصاحبه با فاکس نیوز طی مطلبی در شبکه اجتماعی ایکس ضمن اتهام‌زنی به ایران در مورد صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای نوشت: «ایران باید برنامه غنی‌سازی خود را متوقف و نابود کند.» این تغییر موضع یک‌شبه نشان می‌دهد که پذیرش غنی‌سازی ۳٫۶۷ درصد از ابتدا جدی نبوده و صرفاً تاکتیکی برای کشاندن ایران به میز مذاکره و سپس مقصرنمایی تهران و تشدید فشار بوده است. به همین دلیل نیز آمریکا در حمایت از اسرائیل وارد جنگ ۱۲ روزه علیه ایران شد. آمریکا امیدوار بود از دل این جنگ نابودی و تجزیه ایران حاصل شود؛ اما در عرض چندروز ورق برگشت تا و ینکاف به عاملی برای انتقال پیام جی دی ونس به عراقچی تبدیل شده و درخواست توقف جنگ را به تهران بدهد. مطالبه غنی‌سازی صفر اما یک پیام دیگر نیز در دل خود دارد. ترامپ مدعی است با عملیات بمب‌افکن‌های B۲ تأسیسات هسته‌ای ایران نابود شده است. مطالبه غنی‌سازی صفر نشان می‌دهد که رئیس‌جمهور آمریکا آق‌درها هم که در مورد موقعیت عملیات بمباران ایران بازی تبلیغاتی به راه انداخته مطمئن نیست، به همین دلیل نیز آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مأمور شده تا به هر طریقی از این تأسیسات بازدید کرده و در مورد ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم با غنای بالا که طرف غربی مدعی است ایران در اختیار دارد اطلاعات کسب کند. این مأموریت در آخرین قطعنامه ضدایرانی شورای حکام آژانس که ۲۹ آبان ماه با پیشنهاد آمریکا و سه کشور اروپایی به تصویب رسید نیز گوشزد شده است.

بدبینی مردم به مسئولان، دلیل تک‌خطی ندارد

بااین همه نمی‌توان دلیلی تک‌خطی در مورد علل ایجاد این نگاه منفی در میان مردم نسبت به پدیده آقازادگی و نابرابری‌ها ذکر کرد. مجموعه‌ای از عملکردها و مواجهه‌ها موجب شده جامعه نگاهی صفر و صدی نسبت به این موضوعات داشته باشد و همه مسئولان را در این موضوع یک‌کاسه کند: ۱. بخش زیادی از مدیران و کارگزاران، چه در زیست خودشان و چه در امتیاز دادن به اقوام خود از رانت استفاده نمی‌کنند و در فضای رانت‌زده نمی‌افتند، تمایلی به رسانه‌ای کردن و اصطلاحاً جز زدن آن ندارند، مگر آنکه اتفاق را یویدادی باعث شود سبک زندگی آن‌ها در فضای رسانه‌ای بازتاب پیدا کند. همین موضوع باعث می‌شود زیست مسئولانی که به دور از رانت‌بازی مشغول کارند، مهجور بمانند. نکته دیگر آنکه برخی از این مسئولان در فضای سیاست‌زده و جناح‌بازی‌ها مورد ظلم قرار می‌گیرند، به این معنی که در رقابت‌ها و اختلافات سیاسی، این مدل زیست آن‌ها مورد توجه قرار نمی‌گیرد یا اگر بیان شود به اسم آنکه آن فرد به دنبال اکت انتخاباتی است، مورد هجمه قرار می‌گیرد و از این جهت دوگانه‌ای در ذهن مردم شکل می‌گیرد که یا مسئولان و خانواده‌هایشان از امتیازهای بی‌شمار برخوردارند یا آن‌هایی که وانمود می‌کنند از رانت‌ها و امتیازها استفاده نمی‌کنند و بر بنیای عدالت پیش می‌روند، انگیزه‌های انتخاباتی دارند و به دنبال رسیدن به جایگاه‌هایی بالاترند. ۲. فضای رسانه‌ای نقش کلیدی در ایجاد این تلقی دارد، جدای از رسانه‌های فارسی‌زبان که اساساً پول می‌گیرند تا تصویری از ناکارآمدی و رانت و تبعیض را به جامعه منتقل کنند، در برخی موارد برخی رسانه‌ها با تصور آنکه عدالت را در جامعه برقرار کنند یا باید مواضع انتقادی نسبت به بی‌عدالتی‌ها داشته باشند، فسادها و تخلفات را فریاد می‌زنند و به آن ضرب می‌دهند، برخی دیگر هم به اسم برقراری عدالت دست به افشاکاری و روشنگری‌هایی می‌زنند و در واقع برداشت فضای رسانه‌ای آن است که برای مقابله با بی‌عدالتی‌ها و فسادها باید آن را با صدای بلند بگوید تا جامعه از آن خبردار شود. این موضوع اگرچه اصلی اساسی است و در سایه سکوت رسانه‌های خودی، رسانه‌های دشمنم فضای افکار عمومی جامعه را در اختیار می‌گیرند؛ اما

حذف موشک

برای احیای جبهه منطقه‌ای ضدایران

آمریکا با این شرط که برد موشکی ایران به زیر ۵۰۰ کیلومتر برسد به دنبال خلع سلاح ایران در برابر اسرائیل است. کاخ سفید امید دارد که با تحمیل این شرط در ادامه برجیده شدن زیرساخت موشکی را مطالبه کند همان‌طور که در مورد زیرساخت‌های غنی‌سازی چنین مطالبه‌ای دارد. البته به زیر ۵۰۰کیلومتری موشک، هیچ تفاوت معناداری با برجیدن برنامه دفاعی ایران ندارد. علاوه‌براین با توجه به حملات اخیر اسرائیل به سوریه و قطر این فهم در کشورهای منطقه شکل گرفته است که برخلاف تصویرنمایی آمریکا، دشمن شماره یک کشورهای منطقه رژیم صهیونیستی است نه ایران. در همین راستا وزیر خارجه عمان در نشست «گفت‌وگوی منامه ۲۰۲۵» که اوایل آبان ماه به میزبانی بحرین برگزار شد اقدامات خرابکارانه اسرائیل را نقض آشکار حقوق بین‌الملل توصیف و اعلام کرد: «این اقدامات به روشنی نشان می‌دهد که اسرائیل منبع اصلی بی‌ثباتی و ناامنی در منطقه است نه ایران.» بدر بن حمد البوسعیدی همچنین خواستار ایجاد چهارچوب امنیتی منطقه‌ای فراگیر شد که تمام کشورهای منطقه از جمله ایران، عراق و یمن را در بر گیرد تا بتوان به صورت مؤثر با چالش‌های مشترک روبه‌رو شد. آمریکا اما با محدود کردن توان موشکی ایران به زیر ۵۰۰کیلومتری می‌خواهد بگوید ایران قبل از اسرائیل تهدیدی برای کشورهای منطقه بوده تا به این طریق اجماع شکسته‌شده علیه تهران را بار دیگر احیا کرده و مشرتیان تسلیحات آمریکایی در منطقه را حفظ کند.

توقف حمایت از محورمقاومت

مطالبه قطع کامل حمایت ایران از جریان‌های مقاومت در منطقه به معنی درخواست خلع بد ایران از عمق استراتژیک خود است. این مطالبه درحالی مطرح می‌شود که یکی از مهم‌ترین اهداف حمایت از گروه‌های مقاومت، دفاع از منافع و امنیت ملی است. هدفی که در مهار گروه‌های تروریستی ساخته آمریکا به خوبی محقق شده و مانع از دستیابی آن‌ها به مرزهای ایران شد. اگر این حمایت قطع شود ایران در برابر تهدیدات مستقیم



باید به این موضوع توجه داشت که یک سویه دیدن این اتفاقات و اکتفا به انتشار این فسادها، آسیب‌های زیادی به اعتماد جامعه می‌زند و نگاهی را که اکنون وجود دارد در جامعه ایجاد می‌کند که اکثر مسئولان از فضای رانتی استفاده می‌کنند، در حالی که ضمن انتشار این موارد، پیگیری و رسیدگی سریع به آن می‌بایست در دستور کار قرار گیرد و از طرف دیگر مسئولانی که درست در نقطه مقابل برخی رویکردهای خطا، بدون سوءاستفاده وظایف مدیریتی‌شان را انجام می‌دهند هم در فضای رسانه‌ای مطرح شوند و افکار عمومی متقاعد شود که فساد یا عدالت در ساختار مدیریتی، از اصول صفر و صدی تبعیت نمی‌کند و نمی‌شود این فسادها را به کل ساختار تعمیم داد. ۳. عامل اصلی بی‌اعتمادی ایجاد شده، برخی مدیران، کارگزاران و سیاستمدارانی هستند که اساساً نگاهشان به مدیریت و استفاده از امکانات در مسواری با چهارچوب‌های اصلی مدنظر نظام حکمرانی ایران که مبتنی برعدالت، دوری از تجمل‌گرایی و عدم استفاده از امتیازهای تبعیض‌آمیز است، متفاوت است. تلقی آن‌ها این است که اساساً حق آنان است که از این امتیازها برخوردار شسوند، رفتارهای طلبکارانه خود به تنهایی موجب عصبانی شدن مردم و افکار عمومی می‌شود و پدیده آقازادگی که در خاطر آن‌ها فی‌نفسه منفی است، موجب ایجاد نگاه منفی آنان نسبت به تمام مسئولان و خانواده‌هایشان می‌شود. به این معنی که تمام مسئولان از امتیازها و رانت‌ها استفاده می‌کنند، در حالی که در میان مقامات رده‌بالای نظام حکمرانی هم می‌توان نمونه‌های زیادی را مثال زد مث که علی‌رغم امکانات، فرزندان آن‌ها نه تنها زندگی ساده‌ای دارند، بلکه به آنان اجازه داده نشده که وارد قدرت شوند. اما در میانه بدبینی ایجاد شده افکار عمومی این مثال‌ها را نمی‌بیند. در مواجهه با برخی رفتارهای خطا، تعریف الگوسی صحیح مدیریتی از افرادی مثل روح‌الله موسوی می‌تواند نسخه صحیحی برای مدیریت حکمرانی باشد؛ چراکه نگاه‌های صفر و صدی ایجادشده‌را بلا‌موضوع می‌کند، هم شفاف ایجاد شده را کم‌رنگ می‌کند و اعتماد را برمی‌گرداند و هم این تصویر را جا می‌اندازد که یک مقام و مسئول یابستی چنین زندگی‌ای داشته باشد و این نه یک لطف بزرگ که وظیفه اوست.

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

ترامپ به دنبال نمایش مذاکره

پیغام‌رسانی آمریکا به ایران به معنی شکل‌گیری مذاکره بین دو طرف نیست، با این وجود طرف آمریکایی به دنبال این است که وانمود کند شراکت با اسرائیل در تهاجم به ایران مؤثر بوده و او پول مردم آمریکا در حمایت از اسرائیل را هدر نداده است. به همین دلیل مدعی است که پس از تحمیل جنگ ۱۲ روزه، ایران تشنه هرگونه توافقی با آمریکاست. در همین راستا ترامپ ۲۷ آبان ماه در دیدار با بن‌سلمان، ولیعهد عربستان مدعی شد: «ایران واقعاً می‌خواهد توافق کند. آن‌ها به شدت خواستار دستیابی به توافق هستند. من کاملاً استقبال می‌کنم. ما در حال گفت‌وگو با آن‌ها هستیم و فرایند آن را شروع کرده‌ایم.» پاسخ این تعابیر را رهبر انقلاب در سخنرانی ۶ آذر خود خطاب به مردم ایران این‌گونه دادند: «شایعاتی درست می‌کنند که دولت ایران به واسطه فلان کشور به آمریکا پیغام فرستاده؛ دروغ محض که چنین چیزی حتماً وجود نداشت.» ایشان با این توصیف که «آمریکایی‌ها به دوستان خودشان هم خیانت می‌کنند»، دولت این کشور را در خور اینکه ایران به دنبال همکاری با آن باشند، ندانسته و آن را قاطعانه رد کردند.